

بیست سال رژیم کودتا

کودتای ۲۸ مرداد بیست سالگی حیات ننگین خود را به پایان رسانید .

کودتای ۲۸ مرداد سرفصل دوران جدیدی در تاریخ پنجاه سال اخیر ایران است . سرفصل دورانی است که امپریالیسم راهزن و درنده خوی آمریکا قدرت سیاسی را بدست شاه فراری ، یکی از باوقباترین سگهای زنجیری خود سپرد و دست او راه را برای نفوذ همجانبه خود گشود . بیست سال خیانت ، بیست سال جنایت ، بیست سال قانون شکنی و فعال مایشائی ، بیست سال سلب هرگونه آزادی ، بیست سال تجاوز به جان و مال و حقوق و نوامیس مردم ، بیست سال بگیرو بند و شکنجه و زندان و اعدام آزادگان ، بیست سال . . . چنین است ترازنامه بیست سال حکومت سپاه شاه . چنین ترازنامه سیاهی در تاریخ معاصر ایران بیسابقه و بی نظیر است .

ثمرات بیست سال رژیم کودتا برای مردم مبین ماجیزی جز فقر و پریشانی و بیخانمانی و چیزی جز تحمل انواع عذاب و محرومیت ها ورنجها نیست . اینهمه سیه روزی بدون شک در سایه " رهبری شاهنشاه " نصیب مردم ایران شده است .

کودتای ۲۸ مرداد ، مقدم بر هر چیزی باین علت اجرا شد که نفت را که بر اثر مبارزات خلق ایران ملی شد مواز جنگ امپریالیسم انگلستان بیرون کشیده بود ، دوباره در اختیار امپریالیسم قرار دهد . برای قبضه کردن منابع ملی شد نفت ایران را ز چوید دولت دکتر صدق ساقط شود و بجای آن دولت خائن دست نشاند های برصند قدرت بنشینند تا قرار داد جدیدی را امضا کند ، لاچسپود که نیروهای ملی و ضد امپریالیستی که مانع بزرگی بر سر راه انعقاد چنین قراردادی بودند سرکوب شوند . دولت آمریکا با کودتای ۲۸ مرداد به این هدف دست یافت ؛ شاه فراری به ایران بازگشت و قوه مجریه بدست زاهدی ، عنصری خائن و فاسد افتاد . بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا با کودتای ۲۸ مرداد اهرم سیاسی ایران را در دست گرفت تا از آن پس بتواند اهرمهای اقتصادی را یکی پس از دیگری ارزان تر و پنهانی تر در دست گیرد . امپریالیسم آمریکا با استقرار دولتی دست نشاند و فرمانبردار استقلال سیاسی را از کشور ما ربود . سپس ظرف بیست سال کشور را بزائده اقتصادی و نظامی خود تبدیل کرد .

بیاد آورید که رضاخان خود را به امپریالیسم انگلستان فروخت ؛ بایک کودتای نظامی به سلطنت رسید و سپس قرار داد خائانه را با شرکت نفت انگلیس منعقد ساخت . محمد رضا فرزند خلف وی خود را به امپریالیسم آمریکا فروخت و بایک کودتای نظامی سلطنت بازگشت و قرار داد خائانه دیگری را ، این بار با کمیسر سیوچین الطو نفت منعقد ساخت . سرسپردگی دودمان پهلوی به امپریالیسم غرب مانند آفتاب روشن است . به برکت این سرسپردگی است که این دودمان فرومایه پنجاه سال است که در ایران برصند قدرت تکیه زده است .

بلافاصله پس از توفیق کودتا چنان حمله و هجوم پیروها و سازمانهای انقلابی با قساوت و بیرحمی کنه نظیری آغاز شد . آزادی های دموکراتیک از جامعه ما رخت برست . هرگونه صدای مخالف در سینه خفتند . توقیف و شکنجه و زندان و اعدام مبین پرستان پس از یک سال محیط را برای انعقاد قرار داد خائانه با کمیسر سیوچین آماده ساخت . پس از امضای این قرارداد هجوم امپریالیست ها برای گرفتن امتیازات جدید نفت . برای ورود سرمایه های امپریالیستی بمنظور جلب سود حد اکثر . برای سهم بردن از خوان بیغمائی که ایرانش نامند . برای استثمار و سارت دسترنج توده های محنت زد و سوسیر ما آغاز گردید و اکنون بیست سال است که همچنان ادامه دارد . در این میان سوسیالیسم امپریالیسم شوروی و اقمار آن نیز بی نصیب نماند هاند . طی بیست سال گذشته کشور ما بصورت بقیده رصفحه ۲

آنچه در خلیج فارس میگذرد

بفرنجی سیاست امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم شوروی در خلیج فارس و رقابت آنها بایکدیگر به مبلغان رژیم کودتا فرصت مغالطه داده و زمینه برای ارزیابی های نادرست فراهم آورده است . از اینجهت لازم می آید که باردیگر نظری به سیاست مذکور بیفکنیم :

هدف های عمده سیاست امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس میتوان در سه چیز خلاصه کرد :

- ۱- یکی تامین جریان مداوم نفت منطقه خلیج فارس بسوی بازارهای تحت نظارت امپریالیسم .
 - ۲- دیگر تقویت و متحد ساختن دولت ها و نیروهای ارتجاعی منطقه بمنظور سرکوب نهضت های ملی و ضد امپریالیستی ممالک عربی و ایران .
 - ۳- دیگر جلوگیری از رخنه سوسیالیسم شوروی در منطقه خلیج فارس .
- هدف های عمده سیاست سوسیالیسم شوروی نیز در خلیج فارس در سه چیز خلاصه میشود :
- ۱- یکی رخنه در خلیج فارس و اجرای سیاست کهن سال تزارهای روسیه مبنی بر استقرار نظارت بر اقیانوس هند و دست آوردن سیادت دریائی ، استفاده از خلیج فارس بعنوان شاه راهی برای عبور نفتی که شوروی از کشورهای پیرامون خلیج بدست آورده و می آورد .
 - ۲- سوء استفاده از تمایلات ضد امپریالیستی خلق های منطقه خلیج فارس بمنظور عقب راندن امپریالیسم آمریکا و انگلستان و نشستن برجای آنها .
 - ۳- توطئه و تحریک بر علیه دولت هایی که بنا بر انگیزه های

استقلال طلبانه و با پیروی از امپریالیسم آمریکا مانع پیشرفت مقاصد نو استعماری سوسیالیسم شوروی اند .

واضح است که دولت ایران در خلیج فارس از سیاست امپریالیسم آمریکا پیروی میکند . محمد رضا شاه نفت ایران را تا آخرین قطره برای امپریالیست ها و در راه آنها امپریالیسم آمریکا تضمین کرده است ، صریحا میگوید که وظیفه اش تامین جریان نفت از خلیج فارس است ، خود را ژاندارم منطقه خلیج می شمارد ، آمادگی خویش را برای کمک بکلیه دولت های ارتجاعی منطقه اعلام داشته و هم اکنون بمنظور سرکوب نهضت بود های ظفار و سریز و اسلحه به عمان فرستاده است .

اما برخورد دولت ایران با سیاست شوروی در خلیج فارس از این بفرنج تراست : رژیم محمد رضا شاه تا آنجا که همکاری کلی شوروی و آمریکا اجازه میدهد پای شوروی را بایران بساز کرده است ، به شوروی نفت و گاز میدهد ، سرمایه گذاری شوروی را می پذیرد ، کالاهای صادراتی ایران را که به بازارهای آمریکا و اروپای غربی روانه دارند بشوروی و اقمار او می فروشد ، به همکاری های گوناگون در زمینه اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی با شوروی دست زده است . محمد رضا شاه که یکبار گفت : اگر قرار بود مساهمیه خود را انتخاب کنیم اتحاد شوروی را انتخاب میکردیم ، بخوبی دریافته است که در مسائل مربوط به سرکوب انقلاب ایران پیوسته میتواند به رویزیونیسم و سوسیالیسم شوروی متکی باشد ، و دولت شوروی - که سوسیالیسم را از کشور خود ریشه کن ساخته است - برای او مساهمیه مطمئنی است . ولی در عین حال محمد رضا شاه از اینکه قربانی رقابت شوروی و آمریکا شود بیمناک است . وی بوضوح می بیند که سوسیالیسم بقیده رصفحه ۲

کارگران ذوب آهن اصفهان

همین جاده که عرض بیش از ۷ متر نیست و جان پناه هم ندارد ۱۱ نفر قربانی شدند . در فروردین امسال اتوبوسی که کارگرانی ذوب آهن را از فرخ شهر (از توابع شهرکرد) سرکار میبرد در گردنه رخ به ته دره عمیق ۱۷۰۰ متر سقوط کرد و ۲۶ تن را بچنگال مرگ سپرد . ۱۴ نفر همسختی مجروح شدند که دولت در باره شان خبری نداد ولی سلسله ای از آنها نیز جان بدر نبردند . وجه بسیار از این گونه کشتار هاروی داد که مردمان آنها آگاه نشده اند .

مبلغان " انقلابات دوازده گانه " و همچنین رویزیونیستهای آرایشگر رژیم عادت دارند که تصاحب از کارخانه ذوب آهن اصفهان بمانند می آید در باره جنب و جوش صنعتی ، کوره های کوه پیکر ، میدان در اندر دست عطیات و غیره و غیره اد سخن بدهند ولی هوچیز را بسکوت و بیاطفهره بر گزار میکنند : یکی بهای عظیمی که ایران بصورت گاز - این همزاد قیمتی و پر مستوری نفت - میبرد از و دیگر وضع کارگران و سایر زحمتکشانی که در شرایط جان فرسا میگردانند .

رژیم کودتا از فقر و بیکاری شایع ، و بویژه از ویرانی اقتصاد کرمان ، از بیخانمانی و آوارگی دهقانان قحطی زده سیستان ، از ورشکستگی قشر وسیعی از پیشهوران اصفهان استفاده کرده است تا دستمزدهای کارگران ذوب آهن را بحد اکثر تقلیل دهد . دوسال پیش که شاه با صفهان رفت تظاهرکنان پرسیدند حداقل دستمزد کارگران در اینجا چقدر است . و آنها که با نظر سازمان امنیت برای عرض گزارش حضور آورده شده بودند پاسخ دادند : سابقا ۵۵ ریال بود و اکنون به ۶۵ ریال افزایش یافته است . اگر چه حداقل دستمزد در ذوب آهن اصفهان و شعبه های تولیدی تابع آن از این کتر است ولی همین مبلغ نیز فقر کوشکن کارگران را میسراند . زیرا که اولاً دستمزد تعداد کثیری از کارگران و بویژه آنهاست که در شعبه های فوری ذوب آهن بکار مشغول اند حداقل است و ثانیاً شرایط سکن و کار آنها چنان است که ارزش دستمزد آنها را از لحاظ تامین حداقل زندگی از این هم پائین تر می آورد . آن عده از کارگران که از شهرستان های دور دست آورده شده اند در واقع فاقد مسکن اند و بناچار در کلبه های دخمه مانند بسر میبرند و آن عده که از روستاهای نزدیک سرکار می آیند از دوتاسه ساعت صرفی آمدوشد می کنند . این کارگران غالباً ساعت ۴/۵ صبح در روستای خویش منتظر اتوبوسی هستند که باید آنها را سرکار برساند . راهی که طی میکنند مانند عموها راهی ایران در واقع کورمراهی بهیتر نیست و غالباً در اطراف معادن ذغال سنگ - از نقاط خطرناک کوهستانی میگذرد . روزی نیست که مرگ در کین این کارگران نباشد . سالی نیست که چندین بار شاهد کشتار فجیع کارگرانی که با اتوبوس بپرتگاه در افتاد هاند نبودیم . در فروردین پارسال در راه زرنده کرمان ۴ نفر از کارگران و کارکنان ذوب آهن بهلاکت رسیدند . در خرداد پارسال جاده ذوب آهن اصفهان ۱۰ نفر کشته گرفتند چندی بعد در گونده

تسخیر زندان ساری

فرار دوتن زندانی سیاسی از زندان ساری از چند لحاظ جالب توجه است .

جریان حادثه چنین بود که دوتن زندانی سیاسی : محمد تقی شهرام و حسین عزتی (از گروه سجاهدین خلق ایران) با دستیاری ستوان یکم شهرستانی احمدیان از افسران مامور زندان ، در ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه جمعه ۱۴ اردیبهشت به دستگیری و خلع سلاح ۲۴ تن نگهبان زندان مرکزی شهر ساری مبادرت جستند شبکه ارتباط زندان را با شهرستانی قطع کردند و در ساعت ۱ و ۳۰ دقیقه روز ۱۵ اردیبهشت از زندان خارج شدند .

این حادثه نشان دهنده پوسیدگی و ضربه پذیری نیروهای انتظامی و بطور کلی دستگاههای دولتی است که رژیم شاه بآنها مینازد .

در روز پر شور به میهن پرستان دلیر : محمد تقی شهرام حسین عزتی و احمدیان ، و بهمه زندانیان سیاسی !

گرامی باد تیرباران شدگان و همه شهیدان !

بیست سال ... بقیه از صفحه ۱ زانده اقتصادی
 امپریالیسم درآمد .
 بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا با کودتای ۲۸ مرداد استقلال سیاسی مارا ربود ، با تبدیل اقتصاد ما به زانده اقتصاد امپریالیسم ، استقلال اقتصادی را از ما گرفت ، با اعزام مستشاران نظامی ، فروش اسلحه ، تحمیل قراردادهای نظامی به ایران ، ارتش ایران را زیر نفوذ خود درآورد . در چنین شرایطی روشن است که شاه و دولت ایران نمیتوانند سیاستی مستقل و ملی داشته باشند . این امر آنچنان بدیهی است که نیازی به اشاره بآنهم نیست بویژه که شاه خود پیروی از سیاست امپریالیسم را انکار نمیکند . او در پاسخ سوال خبرنگار مجله " نیوز ویک " چنین میگوید : " اروپای غربی ، انازونی و ژاپن خلیج فارس را خرم امنیت خود می شناسند بدون آنکه بتوانند امنیت آنها را تامین کنند . ما اینکار را برای آنها انجام میدیم " . امپریالیسم برای رشد و توسعه تولید به نفت خاورمیانه نیازمند است شاه چاره ای ندارد جز آنکه نفت ایران را تا آخرین قطره در اختیار آن بگذارد ؛ امپریالیسم از رشد و گسترش جنبش های انقلابی در منطقه خلیج فارس می ترسد و شاه را که با دریافت قریب ۴ میلیارد دلار صلح ساخته است به سرکوب این جنبش ها مامور میکند ؛ امپریالیسم آمریکا از نفوذ سوسیال امپریالیسم شوروی در منطقه خلیج ناراضی است ، شاه و ارتش ایران را سیر دفاع خویش در این منطقه میکند ؛ امپریالیسم در سیاست داخلی ایران خواستار " امنیت و ثبات " برای غارت هر چه بیشتر کنیو ما و ربودن دسترنج زحمتکشان میهن ما است ، شاه این خواست را بمرحله عمل درمیآورد . اینها است آنچه در قاموس شاهسیاستی مستقل ملی نام دارد . رژیم ایران ، مفاهیم واژه های فارسی را در تمام زمینه ها وارون کرده است . سیاست مستقل ملی نیز از آنجمله است .

کودتای ۲۸ مرداد نیروها و سازمانهای انقلابی را درهم کوبید ولی نتوانست و نمیتوانست آتش مبارزه مردم غیور ما را خاموش کند . سازمان امنیت رژیم نیز از فعالیت جنایتکارانه و سیاه خود طرفی نیست . مبارزه مردم ایران علیه رژیم کودتا طی دوران بیست سال گذشته هیچگاه قطع نشد . در این مبارزات قهرمانانه خون کارگران ، دهقانان ، جوانان دانشجو خون هزاران مردم بی دفاع کدرهفته خونین خرداد بیبا خاستند خاک میهن مارا گلگون ساخت . تجربه مبارزه مردم ایران و تجربه ویت نام قهرمان نشان داد که تنها با مبارزه مسلح ، با قراردادن ارتش خلقی در برابر ارتش شاه میتوان رژیم کودتا را برانداخت و به آزادی دست یافت . امروز جوانانی قهرمان اسلحه در دست بیباخاسته اند که بخاطر آزادی و سر بلندی میهن حتی از ایثار خون خویش دریغ نمیورزند . نیروهای انقلابی در عین آنکه اسلحه را از دست فرو نخواهند گذاشت ، از تجربه این جوانان خواهند آموخت و با احیاء حزب طبقه کارگر در صحنه ایران اندیشه لزوم مبارزه مسلح را بیمان توده ها خواهند بر توده ها را بتدریج در ارتش خلق گرد خواهند آورد . آنگاه است که طومار زندگی دشمنان داخلی و خارجی درهم خواهد ریخت و میهن ما از اسارت ملی و طبقاتی خواهد درست .

سرتنگون باد رژیم کودتا !
 مرگ بر شاه و دربار !
 درود بپروان پاک شهیدان رژیم کودتا !

کارگران نوب . . . بقیه از صفحه ۱
 این وضع مادی کارگران نوب آهن است . ولی محیط سیاسی آنها از این هم طاقت فرساتر است . دولت میدانکه اجتماع عده کثیری از کارگران ، موجد نیروی عظیم مقاومت و پیکار است و از اینجهت دستگاه نوب آهن را بصورت یکی از مراکز فعالیت سازمان امنیت درآورده است و در اینجا از ستیاز کامل رویزیونیست های شوروی و عمال ایرانی آنها برخوردار است نوب آهن یکی از جولا ننگاهای رویزیونیست های شوروی است که بنام هیئت های نمایندگی ، مهندس ، متخصص ، معلم و غیره و غیره در میان کارگران و بویژه کارمندان میلوند . رویزیونیست های شوروی تجربه بسیار در نزدیکی با افراد فرصت طلب ، جلب آنها و خرید آنها دارند . شبکه عمال رویزیونیست در سراسر ایران و بویژه در مؤسسات نوب آهن شبکه گسترده ای است . منافع رویزیونیست های شوروی که در سال های اخیر

آنچه در خلیج . . . بقیه از صفحه ۱
 امپریالیسم شوروی برای تجاوزکاری و سیادت طلبی خویش مرزی قائل نیست و در این راه از امال کردن هیچ حریف و دوست و همدستی روگردان نمیشود یورش فاشیستی شوروی بر چک اسلواکی و برانگیختن هند بحمله مسلحانه بر پاکستان - متحد رژیم کودتا در میان سنتو - تجزیه آن کشور ، محمد رضا شاه را بیش از پیش به سیاست نظامیگری و پناهندن به امپریالیسم آمریکا کشانید . هم اکنون سوسیالیست های امپریالیسم شوروی در توطئه است که بنام " حق ملت بلوچ در تعیین سرنوشت خویش " بخش غربی پاکستان را نیز مجزا گردانند و پایگاه دیگری نظیر بنگلادش در باختر اقیانوس هند بدست آورند این نقشه که ایجاد بلوچستان واحد را در نبال دارد مضمین تجزیه بلوچستان ایران نیز هست . از طرف دیگر ، شوروی از جانب عراق هم در خلیج فارس پیشروی میکند . گویا این عوامل به محمد رضا شاه امکان داده است که سیاست تسلیحاتی و نظامیگری خود را که در درجه اول متوجه دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا و سرکوب نهضت های ملی و ضد امپریالیستی است بمنزله " سیاست تدافع و مستقل جلوه گر سازد . محمد رضا شاه مزورانه میگوید : امور منطقه خلیج فارس باید بوسیله کشورهای همین منطقه اداره شود . ولی او در این گفتار به نوعی " ویتنامی کردن " صدام را در خلیج فارس نظر دارد . او میخواهد سرکوب نهضت های ملی و ضد امپریالیستی منطقه خلیج به خود دولت های مرتجع محلی و از آنجمله و بویژه به محمد رضا شاه بمنزله " زانده خلیج واگذار شود ، او میخواهد - همانطور که سناتور فولبرایت رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا اظهار داشت - آمریکا را " سا وارد عمل نشود بلکه مداخله مسلحانه در کشورهای خاورمیانه را " برعهده " قائم مقام های موثر نظامی خود در منطقه ، چون اسرائیل و ایران ، محول کند " . منظور محمد رضا شاه در این گفتار بهیچ وجه طرد امپریالیست ها از خلیج فارس نیست بلکه تثبیت آنها در لباس حکمرانان محلی است . محمد رضا شاه که سراسر ایران را یک پارچه و قطعه قطعه به امپریالیست ها فروخته است ، که هزاران مستشار آمریکائی را بر سر ادارات ارتش ایران گماشته ، که اقتصاد و سیاست و ارتش در دست امپریالیست ها است ، که عمده ترین وظیفه اش سرکوب خلق ایران است ، چگونه میتواند در برابر سوسیال امپریالیسم شوروی و با هر متجاوز دیگر سیاست دفاعی و مستقل داشته باشد ؟ اعزام ارتش عمان گواه روشن این امر است که سیاست محمد رضا شاه در خلیج فارس نه تدافعی است نه مستقل . تدافعی نیست زیرا که به حمله بر نهضت ملی و دموکراتیک در خاک کشور دیگر دست زده است ، و مستقل نیست زیرا که مجری سیاست امپریالیست های آمریکا و انگلستان است و افسران و سربازان وی در عمان تحت نظر افسران انگلیسی عمل میکنند .

نمونه ای از وضع کارگران

" من که کارگر کارخانه نان ماشینی ۱۴۰ تنی جاده آرگاه هستم باروزی ۱۳ ساعت کاره ۱۰ تومان حقوق میگیرم و در سال فقط ۶ روز مرخصی دارم . متذکر شوم که غیر از این ۶ روز باقیه تعطیلات محروم و هیچگونه مزایایی ندارم - بن ۱۰ " .
 تهران اکتوبریست ۱۱ فروردین ۱۳۵۲

بسم بزرگی در غارت منابع زیرزمینی ما و منجمله گاز و نفت بدست آوردند و در اسداری از رژیم کثونی است . ساختمان نوب آهن یکی از وسائل مهم عوام فریبی آنهاست . از اینجهت هر نیرویی که در نوب آهن بقاوت در برابر استشار ، بدافع از حقوق کارگران و بهبود شرایط کار و زندگی آنها ، بخاطر تشکیل اتحادیه های کارگری برخیزد سازمان امنیت ایران و شبکه عمال شوروی را - اولی آشکار و دومی پنهان - در برابر خود می یابد . محیط سیاسی نوب آهن اصفهان یکی از خفه کننده ترین محیط هاست . چه بسا کارگران ، متخصصان ، کارمندان و مهندسان که بکمترین سوءظن بیکار شده اند ، بنقاص دیگر تبعید شده اند ، بزدان و شکنجه گرفتار آمده اند . ولی تردیدی نیست که تشبثات ارتجاعی نخواهد نوبت از آگاهی و تشکل و مبارزه نیرومند کارگران نوب آهن که روز بروز اختلا خواهد یافت جلوگیری . شرایط عینی نوید میدهد که نوب آهن در آینده نزدیک یکی از مراکز جوشان پیکار انقلابی خواهد بود . درود پر شور بکارگران نوب آهن اصفهان و شعب فرعی آن !

ما موظفیم که سیاست تجاوزکارانه سوسیال امپریالیسم شوروی را که هنوز بوجه بایسته بی نقاب نشده است افشا کنیم . ما در محین مبارزه همه جانبه با امپریالیسم آمریکا که امپریالیسم متفوق در کشور ماست باید توده های مردم را با نقشه های تخریب و تجزیه که بدست سوسیال امپریالیسم شوروی اجرا میشود آشنا و برای مقابله با آنها بسیج کنیم . ما باید از هر تضاد بین امپریالیست ها و سوسیال امپریالیست ها و بین آنها و چاکرانشان استفاده کنیم . ولی هرگز نباید بگذاریم که چاکران مذکور از تضاد های فرعی و گذرا برای درگون جلوه دادن سیاست خنثی و فریب توده ها استفاده کنند .

اگر از عرصه خلیج فارس فراتر رویم و سراسر ایران را رویم در نظر بگیریم واضح تر دیده میشود که ایران مظهر همکاری سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم آمریکا است . البته هیچ همکاری امپریالیستی عاری از رقابت نیست و وجود رقابت را دلیل فقدان همکاری نباید پنداشت . حکومت محمد رضا شاه گرگاه همکاری سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم آمریکا است و اگر چه در مواز معینی بنا بر منافع خود و بیابنا بر رقابت این دو دولت بزرگ بسا آنها در تضاد افتد در اثر ماهیت خویش هیچگاه نمیتواند ستیاق مستقل و ملی در پیش گیرد .

جوان آمریکائی

که کمر بخدمت خلق بسته بود !

هاوکینز سرهنگ و مستشار نظامی پنجاه ساله آمریکائی که در تهران رحل اقامت افکند بود اجباراً به امریکا برگشت ، در حالی که چند گلوله از میهن پرستان ایران در سروسینه خود جای داده و برای همیشه از توطئه و جنایتکاری آموده بود . روزنامه ها و بلندگوهای دستگاه آنچنان نغمه من غریبی و شوق شرق مضحکی بپا کردند که گویا خلق یکی از بزرگترین وفادارترین خدمتگزارانش را از دست داده است !

را دیوی تهران کار مغلظه را بجائی رسانید که اعلام کرد بعضی های بغدادی مستشار جوان آمریکائی را که کمر بخدمت خلق بسته بود ناجوانمردانه کشتند ! . در این که این کار بدست بعضی های عراق صورت گرفته و یافزندان خلق قهرمانی که بیبا خاسته است تا از غلامین فقر و سیه روزی خویش انتقام بجوید ما را جای صحبت نیست . واقعیت ترا همه میدانند . اما سکه های زر چه کارها که نمیکند و چه پیکرتارهایی را که نمی آرایند و چه چهره های پاک و زیبائی را که بزشتی جلوه گر نمی سازد !

اینجاست که سرهنگ و مستشار نظامی پنجاه ساله آمریکائی این سگ پاسبان ملیونرهای آمریکائی و ایرانی و اسرائیلی ، کسی که از قتل عام هزاران مرد و زن و کودک ویتنامی ، از آتش زدن و ویران ساختن مدارس و بیمارستانها و مدارس و بیمارستانها کلبه های فقیر دهقانان کامبوجی ، از توت بستن اردوگاه های آوارگان فلسطینی ابائی ندارد ، کسی که بایران آمده است تا شکنجه گران سازمان امنیت را برای شکنجه رضائی ها - سمله ها - پاک نژادها - حاجبی ها تربیت کند ، کسی که بایران آمده است تا دهقان زادگان ایرانی را جنگ پامرنگان آنسوی خلیج که برای دفاع از شرف و آزادی کشور خویش بیباخاسته اند روانه سازد ، کسی که بایران آمده است تا امنیت رهزنان و دزدان - ریائی بظلمها و آریامهرها را برقرار سازد ، تا مزارع شکفته سپید و دریای سیاه و کوههای مس همچنان بغارت رود ، ((جوان مستشاری که کمر بخدمت خلق بسته بود)) معرفی میگردد ! . در اینجاست که رضائی ها ، پاک نژادها ، مفتاحی ها ، کسانی که مال و جان خویش را در کف نهادند ، کسانی که در زیر و حشایشانه ترین شکنجه ها بیاد آوردن چهره های معصوم کودکان ویتنامی و فلسطینی ، چهره های درد کشیده و سوخته دهقانان و کارگران ایرانی ، انگلستان کوچک و بریده رنگ و اما خونین دختران قالیباف ، با رمانهای خویش و بخلق خود وفادار میمانند ، نوکران بیگانه قلمداد میگردند !

آری از دیدگاه محمد رضا شاهی خلق یعنی او و علمها و اقبال ها بیاسال ها و نیکسون ها و اکثرها بر اینها هاوکینز ها و بیگانه یعنی دختران قالیباف کرمانی ، دهقانان آواره - بلوچستانی ، کارگران کوره پزخانه های تهران ! روزی که آتش انقلاب توده ها همه ناپاکان را در شعله های سرکش خود بسوزد گسالت نیز پاک خواهند شد .

صادرات... بقیه از صفحه ۴
 موارد معینی برخی از این محصولات از ایران بخود کشورهای شریول نیز صادر شود مجله تهران اکنون بیست و هفتمین سالگرد راهپایان خود بیان کرده و گفته است: «جادار در مسئله» صدور کالاهای صنعتی ایران (بانگستان) ، خاصه آن قسمت که در موسسات مختلف ایرانی و انگلیسی و موسساتی که انگلیسیها با آن همکاری دارند تولید میشود ، توجه خاصی ملحوظ دارند . زیرا ایران از لحاظ امنیت و ثبات سیاسی و اقتصادی و ارزانی دستمزدها و هزینههای گسی موقعیت خوبی در مقابل کشورهای اروپای غربی دارد ، خاصه آنکه دستخوش اعتصابات کارگری و امثال آن نیز نمیشد .»

تهران اکنون بیست و هفتمین سالگرد راهپایان خود است که دست مزد کارگر ایرانی که در زیر سنگه سازمان امنیت بسر میبرد و از حق اعتصاب هم محروم میباشد نازل است. هزینههای گلی تولید هم در ایران کم است. و این «موقعیت خوبی» برای امپریالیستهاست که کالا را در ایران تولید کنند و سپس به بازارهای دیگر و منجمله به بازارهای کشور خود صادر کنند .

تهران اکنون بیست و هشتمین سالگرد راهپایان خود است که دست مزد کارگر ایرانی که در زیر سنگه سازمان امنیت بسر میبرد و از حق اعتصاب هم محروم میباشد نازل است. هزینههای گلی تولید هم در ایران کم است. و این «موقعیت خوبی» برای امپریالیستهاست که کالا را در ایران تولید کنند و سپس به بازارهای دیگر و منجمله به بازارهای کشور خود صادر کنند .

مطلب واضح است : تهران اکنون بیست و هفتمین سالگرد راهپایان خود است که دست مزد کارگر ایرانی که در زیر سنگه سازمان امنیت بسر میبرد و از حق اعتصاب هم محروم میباشد نازل است. هزینههای گلی تولید هم در ایران کم است. و این «موقعیت خوبی» برای امپریالیستهاست که کالا را در ایران تولید کنند و سپس به بازارهای دیگر و منجمله به بازارهای کشور خود صادر کنند .

البته قیمت تمام شده کالاها صنعتی ایران با وجود کمی دستمزدها و کارگران و نازل بودن هزینههای عمومی و غیره ، در اشرافیت گزافی که در فروش کارخانهها از طرف امپریالیستها به ایران تحمیل شده - و قبلاً سودگزافی برای آنها تامین کرده است - ممکن است قدرت رقابت در بازار بین المللی نداشته باشد . از این جهت تهران اکنون بیست و هفتمین سالگرد راهپایان خود است که دست مزد کارگر ایرانی که در زیر سنگه سازمان امنیت بسر میبرد و از حق اعتصاب هم محروم میباشد نازل است. هزینههای گلی تولید هم در ایران کم است. و این «موقعیت خوبی» برای امپریالیستهاست که کالا را در ایران تولید کنند و سپس به بازارهای دیگر و منجمله به بازارهای کشور خود صادر کنند .

پس نتیجه میگیریم که : بازرگانی خارجی ایران بازرگانی ورشکسته است ، کالاها صادراتی صنعتی ایران بطور عمده محصول کارخانههایی است که با شرکت و نظارت سرمایههای امپریالیستی و «وسيله» استثمار بیرحمانه کارگران ایران میچرخد و سود آنها بطور عمده متعلق به سرمایههای امپریالیستی است .

استراتژی افسران انگلیسی در خلیج فارس

بناسبت ملک نظامی محمد رضا شاه به سلطان پوسیده عمان ، نیکو شری را که روزنامه مطلع " پیک خجسته " از جراید شیراز و بلنند گویان تبلیغاتی رژیم ایران ، در ۱۹ دی ۱۳۵۰ در باره سلطان نشین عمان نوشته بود عیناً از نظر خوانندگان گرامی میگردانیم :

در سلطان نشین عمان ، افسران و کارشناسان انگلیسی چند دسته سر بالو سپاهی تربیت میکنند ، دسته ای بنام روباها صحرای و دسته ای دیگر با نام پیکاننگ خلیج فارس ، گروهی نیز با آموزش فنون پلیسی کار آموخته میشوند و مستشاران انگلیسی که ظاهراً در خدمت ارتش کشور عمان میباشند قشون چند ساله ای را بمنظور خدمت سربازی و پلیسی در بخش نشینها آموزش میدهند و سربازان پس از آموختن فنون و تعلیمات نظامی و پلیسی وارد خدمت و وظیفهها شایسته نشینها میگرددند . استراتژی افسران انگلیسی در خلیج فارس و دریای مکران که در خدمت سلطان عمان و مسقط انجام وظیفه مینمایند بر پایه تربیت و تجهیز سپاهی داوطلب نهاده شده و استوار گردیده است . از بلوچهای ایرانی ، عرب هندی و پاکستانی گرفته تا یمنی ، فلسطینی و مصری و افریقایی و خلاصه هفتاد و دو دولت در ارتش عمان سرد آمده اند و زیر دست مستشاران نظامی بریتانیایی تربیت میشوند و تعلیم می بینند .

آلبانی مشعل ... بقیه از صفحه ۴
 خود سر مشق میگیرد . نام قهرمانان خلق آلبانی در همه جا بگوش میخورند . بر فراز دیوارهای شهیدای شهر دوس این سخنان نوشته شده است : " اقتدار بر شهیدان ! بدون قربانی از جانب خلق هیچ چیز بدست نمیآید . بدون قربانی بدون از خود گذشتگی نمیتوان در جنگ پیروز شد و به آزادی نائل آمد ."

خلق آلبانی که زیر رهبری حزب کمونیست مبارزه نهائی بخاطر رهائی از یوغ بیگانگان را با موفقیت کامل به پایان رسانید قدرت سیاسی و آزادی خود را بدست آورد ، اکنون باید مبارزه تازه ای را آغاز کند برای آنکه پایههای آزادی و استقلال اقتصاد خود را بنیان گذارد . مبارزه درجه یک اقتصاد آسانتر از نبرد درجه یک جنگ نیست . آلبانی یکی از عقب ماندترین کشورهای اروپا بود ؛ زیانهای مادی و خرابیهای ناشی از جنگ آزاد بیخیش نیز بر وخامت وضع بی افزود . قدرت توده های زیر رهبری حزب کمونیست دست بکار شد .

زمینهای مالکین را میان دهقانان تقسیم کرد ، موسسات تولیدی ، بانکها ، حمل و نقل ، معادن و تجارت خارجی و داخلی و جنگها را در دست خود متمرکز ساخت و یک بخش دولتی اقتصاد بوجود آورد ؛ بایک رفوم پولی ، مبالغی از پول ثروتمندان را در اختیار گرفت و از آن برای سرمایه گذاری استفاده کرد . سپس توسط یک نقشه دو ساله به ترمیم خرابیهای ناشی از جنگ پرداخت و از آن پس طی نقشه های پنج ساله که اکنون اجرای پنجمین آن در جریان است ، اقتصاد کشور را بطور مداوم رشد داد و در این رشتا اقتصادی موازنه میان شعب مختلف اقتصاد یعنی کشاورزی ، صنایع سبک و صنایع سنگین را از نظر دور نگذاشت در عین آنکه برای صنایع سنگین تقدیم قائل شد . در طول ۲۸ سالی که از پیروزی انقلاب میگذرد نتنها خرابیهای ناشی از جنگ ترمیم گردید بلکه کارخانههای مدرن بسیار ، مراکز برق ، راه آهن ، گویا تویوهای بزرگ و مجهز کشاورزی مدرن ، کانالهای آبیاری بوجود آمد ، بر سطح زمینها و زیر کشت افزوده شد . نقشه های اقتصادی ، کشور آلبانی را از صورت کشور کشاورزی بصورت کشور صنعتی - کشاورزی درآورد و بزودی آنرا به کشور صنعتی تبدیل خواهد کرد . کشور آلبانی در زمره کشورهای نادری است که تمام دهات آن از نیروی برق برخوردار است .

همراه بارش اقتصاد ، بیسوادی از کشور برافتاد ، آموزش و پرورش ، علم و تکنیک ، فرهنگ و هنر توده های در تمام زمینهها تکامل یافت ؛ زندگی مادی و معنوی توده های زحمتکش بسطح بالا و بالاتری ارتقا یافت . توده های زحمتکش ، همانطور که بخاطر آزادی پیکار کرده بودند ، با فداکاری و از خود گذشتگی مبارزه درجه یک اقتصاد را برای مجهز ساختن کشور به اقتصادی شکوفان و نیرومند باسر بلندی انجام داده اند و میدهند . آنها موانع و مشکلات فراوان ناشی از عقب ماندگی تاریخی را از سر راه برداشتند ، بر موانع و مشکلات فراوانی که امپریالیستها و رویزیو نیست های شوروی بر سر آنها ایجاد کردند فائق آمدند و اکنون

رسوایی در ... بقیه از صفحه ۴
 لطمه های وارده آید . و دیگر اینکه به آقای لرد لامبتون شهوت پرست میهن فروش امکان داده شد که بانمایندگان رادیو و تلویزیون انگلستان به مصاحبه ای طولانی در تبرئه خویش دست بزند . بسیار عبرت انگیز است که آنگاه که ما هژمار کارگر شرافتمند انگلستان باعتصاب و نمایش دست میزنند هرگز یکی از آنها به رادیو و تلویزیون دست نمیباید تا سخنی چند درباره حقایق مبارزه خویش بگوش هموطنان برساند . ولی آنگاه که خائنی از خائنان هیئت حاکمه افشا میشود تمام دستگاه تبلیغاتی ، نه فقط بطور غیررسمی بلکه صریحاً و رسماً ، بدفاع از اعمال پلید و متعفن او بکار می افتد . اینست آن دموکراسی بورژوازی که انگلستان بعنوان گاهواره آن شناخته میشود ! این حوادث که نظائر آنها در سایر کشورهای امپریالیستی فرانسه و آلمان و ایتالیا و غیره نیز فراوان است نشانه انحطاط و زوال بورژوازی امپریالیستی است . این حوادث ، همراه با جریانات های اقتصادی امپریالیسم به زحمتکشان جهان کمک میکند که ماهیت رژیم های امپریالیستی را بهتر بشناسند و برای سرنگون ساختن آنها مصممانه تر برخیزند .

اقتصاد سوسیالیستی آلبانی با کامیابی سر می برد . اما مبارزه خلق آلبانی به آزادی سیاسی و اقتصادی خاتمه نمیابد . ظرف سالهای اخیر مبارزه درجه یک سوسیالیسم در این مبارزه در واقع انقلابی است که باید نهاد انسانهارا در گون سازد ، عادات و رسوم و افکار کهن را در زندگی روزمره تغییر دهد ، عادات و رسوم پاهنجار و افکار ناپسندی که شراکت نکبت بار جامعه طبقاتی است ، طی قرون متمادی در ذهن انسانها عمیقاً ریشه دوانیده است . فراموش نکنیم که کشور آلبانی بعلاوه اینکه در احاطه کشورهای امپریالیستی و رویزیونیستی است خطر نفوذ و تقویت چنین افکار و عاداتی از خارج نیز وجود دارد . تا تئیرات این افکار و عادات و رسوم برای پرورش آید که لویزیک و سیاسی خلق ، برای ادامه انقلاب سوسیالیستی و پیروزی کامل آن متضمن زیانها و مخاطراتی است . این یک مبارزه طبقاتی است ، مبارزه ای بغرنج و سرشار از فراز و نشیب که باید آنرا به سرانجام رسانید .

در آلبانی سوسیالیستی تمام وسائل تولید در مالکیت اجتماعی است ، ایدئولوژی مارکسیستی حاکم است . اما احساس مالکیت خصوصی هنوز در اذهان باقی است . این انقلاب علیه احساس مالکیت خصوصی در اذهان ، علیه " من " ، علیه " خود بینی و خود پرستی " ، علیه " اگوئیسم " است . ریشه رویزیونیسم که کار راه بازگشت سرمایه داری می کشاند در همین اگوئیسم است ، در اینست که کادریهای صنعتی یا سیاسی از توده ها می برند ، از قدرت شخصی خود سوء استفاده میکنند ، محیط زندگی خاصی برای خود فراهم میآورند ، خود را از زیر کنترل توده ها بیرون می کشند . این انقلاب باید بورکراسی را در زمره کادریهای صنعتی ، سیاسی ، آموزشی ریشه کن کند باید هرگونه اندیشه و رفتار نادرست را در جامعه و در خانواده نسبت به زن براندازد . مسئله زن در آلبانی یک مسئله فرعی نیست بلکه جزئی از انقلاب پرولتاریائی است ، مسئله ای است که تنها مربوط به زنان هم نیست مربوط به تمام جامعه است . این انقلاب باید تمایز کاریدی و فکری را از میان بردارد ، از شیوه زندگی منحط دنیای سرمایه داری جلوگیری ، به کوتاه سخن این انقلاب باید به تمام جهات منفی جامعه تمام جهات منفی نهاد افراد پایان بخشد .

این انقلاب نیز مانند هر انقلاب دیگر فقط با دست توده ها و با شرکت آنها میتواند جاه عمل ببوشد . از اینرو است که حزب کار آلبانی و رفیق انور خوجه بانفکراهیت و تعیین اصول راهنمای آن از تمام اعضا ، حزب و کادرها ، از توده ها دعوت کرده اند که این امر خطیر را با نبردی بی گریه و بی امان به سرانجام برسانند و اینکار از طریق تربیت سیاسی و ایدئولوژیک با دست توده ها و تحت نظارت توده ها میسر تواند شد . این مبارزه از هم اکنون به موفقیت های بزرگی نائل آمده است .

مبارزه برای تصرف قدرت سیاسی ، مبارزه برای احراز نیروی اقتصادی ، مبارزه بخاطر تغییر جهات منفی جامعه و نهادهای انسان ، چنین است مراحل مبارزه ای که خلق آلبانی پی برده است البته این مبارزات سه گانه در تمام مراحل در گونی جامعه در کنار هم وجود دارند منتها در هر زمان یکی از این جهات نقش مهم تری ایفا میکند .

جامعه آلبانی اگر معذک ظواهر امر را بگیریم بیسای کشورهای صنعتی پیشرفته نمیرسد ولی از لحاظ تکامل تاریخی یک مرحله کامل از پیشرفته ترین کشورهای پیشرفته جلو است . جامعه آلبانی نمونه آن جامعه ای است که قرنهای است دست یافتن به آن ، آرمان توده های زحمتکش محروم و ستمدیده است ، نمونه آن جامعه ای است که همه خلق های دیگر در سراسر جهان باید در آینده دور یا نزدیک بدان دست یابند و بیقین دست خواهند یافت .

عنوان مکاتبات
 X GIOVANNA GRONDA
 24030 VILLA D' ADDA/ITALY
 حساب بانکی
 X GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17549/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO/ITALY

پیروز باد جنگ آزادی بخش خلق فلسطین و ظفار

رسوائی در واشنگتن و لندن

تعفن "دموکراسی های" امپریالیستی که هرچندگاه دماغ جهانیان را آزار میدهد اینک از جانب واشنگتن و لندن به شام میرسد. پرونده های که بنام خادنه "واترگیت" در آمریکا افتتاح یافت بروشنی نشان داد که در موقع انتخابات رئیس جمهوری آمریکا بعملیات کاملا گانگسترمآبانه، بهجوم شبانه، به شکستن گاو صندوق و ربودن اسناد و تعویض آراء، باخذ صد-هائزار دلار رشوه (از کلاشان و کلاه برداران تحت تعقیب) بسود انتخاب نیکسون مبادرت شده است. این مطالب همان هنگام انتخابات نیز برحزب مخالف (یعنی حزب دموکرات)، روشن بود ولی برای آنکه جریان انتخابات بهم نریزد و در دستگاه دولتی امپریالیستی (که متعلق به هر دو حزب حاکم آمریکا است) خللی وارد نشود آنها را مسکوت گذاشت و اگر اینک بافتا آنها میبرد از برای بهره برداری در دوره انتخابات آینده خود رئیس جمهور (نیکسون) نیز طبیعتاً نه فقط مطلع بلکه طراح این عملیات راهزنانه بود. در توضیحاتی که وی اخیراً برای تسکین افکار عمومی آمریکا داد، معترف گردیده که از جریان اطلاع داشته پس از صدور دستور رسیدگی هم تا یکد کرد که رسیدگی نامحدود نباشد. چرا؟ زیرا بقول خود او می-ترسیده است که مبادای سیاه (اداره جاسوسی آمریکا) در میان باشد! نیکسون با این اظهارات میگوید که هر جنایتی که سیاه آمریکا مرتکب شود باید از نظر خلق آمریکا پنهان بماند. این قانون اساسی حکومت امپریالیسم در آمریکا است! نیکسون دلیل دیگری هم برای محدود ساختن رسیدگی می آورد و میگوید نمی بایست رسیدگی مذکور به اسرار "بسیار حساس" دولت آمریکا و مصالح ملی "آمریکایان برساند! زیرا که سیادت امپریالیسم آمریکا بر روی اسرار "بسیار حساس" از زویند، توطئه و خیانت بر علیه مصالح خلق های جهان و منجمله خلق آمریکا

براست. این اعتراض دیگر نیکسون بسیار جالب است که پس از آن که قسمتی از اسرار جنگ افروزی امپریالیسم آمریکا در وینتام، بوسیله "السبرگ" (از وابستگان به کاخ سفید) کشف شد و در روزنامه ها انتشار یافت رئیس جمهور آمریکا شخصی بنام هوارد هونت را به برخی از "مأموریت های بسیار مخفی" و از آنجمله جلوگیری از روزگردن اسرار کاخ سفید کماشت و او- این محرم اسرار نیکسون و "مأمور حفظ نظم در دفتر کاخ سفید - یکی از همان شیروانی بود که بعداً به واترگیت حمله برد و در روزی گانگسترهای عادی آمریکا را سفید کردند! رئیس جمهوری آمریکا میگوید اگر رسیدگی بجای نماند واترگیت محدود نمیشد ممکن بود مسئله رسیدگی به گذشته هووارد هونت پیش آید و امنیت کاخ سفید بخطر افتد!

حادثه واترگیت توضیحاتی وابسته بآن نشان میدهد که "دموکراسی" امپریالیستی چیز دیگری جز فریب، کلاسی توطئه و جنایت نیست! امپریالیسم - همانطور که مارکسیست ها پیوسته تا کپی کرده اند - در خون و چرک میغلطد.

در همین احوال در انگلستان نیز رسوائی عظیمی بسیار آمد که یاد آور رسوائی ده سال پیش وزیر دفاع آن کشور بود. در آن موقع کشف شد که وزیر مذکور از طریق روابط شهوانی خود، اسراری از دولت انگلستان را به یک جاسوس شوروی تحویل داده است. امروز نیز فاش میشود که وزیر دفاع آن کشور بولد لا میتون باز خانواده محترم آریستوکراتیک، از پادشاهان و زال انگلستان باز نمایندگان اخلاقیات بورژوازی سنگین و رنگین انگلستان، پدر خانواده صاحب زن و فرزند از مشتریان چندین شهوت خاندان انگلستان و خارجه بود و اسراری از کشور خویش را از این راه به بیگانگان داده است. در این فضیحت پای عده های دیگر از رجا انگلستان نیز بمان آمد (از آن جمله فرزند یک دریا سالار سابق انگلستان و فرزند خوانده "ژرژ پنجم" قهرمان جنگ، دارند - نشان های متعدد جنگی) و همگی برای تسکین افکار عمومی "استعفا" دادند. در اینجا دو چیز جالب توجه است: یکی اینکه حزب مخالف (حزب کارگر انگلستان) در موقع طرح پرونده در پارلمان بمراعات حد اکثر اعتدال کوشید تا مبادا به حکومت امپریالیسم انگلستان (که حکومت هر دو حزب است بقیه در صفحه ۳

آلبانی، مشعل فروزان سوسیالیسم

صفحات درخشان تاریخ مبارزات خلق آلبانی است. در ۱۹۱۲ قهرمان خلق آلبانی اسمعیل کمال در شهر ولوراستقلال آلبانی را اعلام داشت که در ۱۹۲۰ سرانجام برسمیت شناخته شد. اما این استقلال در گرونیهای مهمی در ساختن اجتماعی بهار نیارورد زیرا که طبقه حاکمه مالکین فئودال که در آن تسلط ترکهای عثمانی بوجود آمد بود نمیتوانست تحولات اجتماعی که پایه های قدرتی را بست میگردد بپذیرد. این بود که بتدریج تمام مواضع کلیدی سیاسی و اقتصادی کشور بدست فاشیست های ایتالیا افتاد که در ۱۹۳۹ آنرا تحت اشغال خود درآوردند.

طی این دوران مبارزه خلق آلبانی سیمای دیگری بخود گرفت زیرا در فاصله میان دو جنگ کانونهای کونیستی و سپس در جریان جنگ دوم جهانی حزب کونیست آلبانی ایجاد گردید که رهبری مبارزات خلق را در دست گرفت، این مبارزه را از صورت خودرو بدرآورد و آنرا از طریق جنگ بی امان علیه فاشیست فاشیست های آلمانی سرانجام به پیروزی رسانید. بدین ترتیب مبارزه خلق آلبانی بخاطر آزادی و استقلال، مبارزه ای که قرنها دوام داشت سرانجام زیر رهبری طبقه کارگر به ثمر رسید. خلق قدرت را در دست گرفت و ببقین آنرا دیگر از دست فرو نخواهد هشت.

کشور آلبانی تنها کشوری است در اروپای شرقی که بسف نیروی خویش متجاوزین فاشیست را از زمین خود راند و برار تاج داخلی پیروز گردید و حتی برای کمک به آزادی خلق های برادر یوگسلاوی نیز ارتشی به این کشور گسیل داشت که نشانه روحیه انترناسیونالیستی وی بود.

در جنگ انقلابی آزادی بخش دهها هزار نفر جان خود را فدا کردند، قهرمانان بسیاری برخاک افتادند که خلقی آلبانی بحق از آنها تجلیل میکند. در تمام شهرها، درها، در کنار جاده ها همه جا بناهای یاد بود بپادشاهان و پادشاهان برپا شده است، گورستانهایی که در میان دریائی از گل و گیاه غرق شده اند. خلق آلبانی پادشاهان و قهرمانان خود را گرامی میدارد و از آنان برای حفظ دستاوردهای بقیه در صفحه ۳

چندی پیش نماینده هیئت مرکزی سازمان مابعد عورت حزب کار آلبانی به این کشور مسافرت نمود. در آنجا از موسسات تولیدی صنعتی و کشاورزی، از موزه ها، از ابنیه و شهرهای باستانی این کشور دیدن کرد، باناژها و فرهنگ باستانی خلق آلبانی، باناژ جنگ رهائی بخش آن، با پیشرفت های عظیم اقتصادی آن و بالاخره با نتایج "انقلابی کردن" که هدف آن برانداختن بقایا و آثار نظام کهن از بنیاد فاسدی و زجاجه است، از نزدیک آشنا گردید. حزب کار آلبانی و خلق آلبانی با دوستی و صمیمیت درخور سیاسی از نماینده سازمان ما پذیرائی کردند. سازمان ما باید بکوشد خود را شایسته چنین دوستی نشان دهد.

شرح انبوه سائلی که در مدت اقامت با آنها آشنا شدی بعمل آمده در یک مقاله نمیگنجد. در اینجا فقط بیا کوتاه و کلی پاره ای از این مسائل بنظر خوانندگان گرامی می رسد:

"خلق آلبانی را خود را در تاریخ باشمیر کرده است. این سخنان رفیق انور خوجه، رهبر بزرگ خلق آلبانی، مبین راه پرفراز و نشیبی است که این خلق طی بیش از دو هزار سال پیچیده است، مبین مبارزه ای است که از طریق آن خلق آلبانی آزادی و زبان و فرهنگ خود را حفظ کرده است.

کشور کوچک آلبانی دارای تاریخی کهن و فرهنگی باستانی است. آثار این تاریخ و فرهنگ کهن را هم اکنون در موزه های مختلف، در شهرهای باستانی که رساله های اخیر از زیر خاک بیرون آورده اند میتوان مشاهده کرد.

کشور آلبانی یا "کشور عقابها" در سراسر تاریخ خود پیوسته مورد هجوم و تاخت و تاز اقوام و دول گوناگون قرار گرفته ولی در هم حال با متجاوزین خارجی قهرمانانه جنگیده است، طی قرن های متعددی در اسارت بسر برده ولی حتی در زیر بوغ بیگانگان نیز هرگز از یکا علیه آنها باز نایستاده است. مقاومت خلق آلبانی بمدت یک ربع قرن به سرکردگی اسکندر بیک، قهرمان ملی خلق آلبانی، در برابر ترکهای عثمانی یکی از

صادرات کالاهای صنعتی

میروند. بهترین دلیل این مدعا افزایش سریع و مداوم قیمت ماشین آلات صنعتی است که مورد نیاز کشورهای در حال توسعه میباشد. بعنوان مثال قیمت ماشین های حروف چینی در این مدت ۲۵۰ درصد بالا رفته... این ترقی همگانی در کلیه کشورهای صنعتی است... (تهران اکونومیست اردیبهشت ۱۳۵۲). وزیر اقتصاد ایران در همین نطق از اینکه قطعات بدکی ماشین ها بموقع تحویل داده نمیشود نالیده است.

دیگر اینکه در کلیه صنایع عمده ایران امپریالیست ها سرمایه گذاری کرده اند و از این جهت هر واحد کالاهای صنعتی ایران حایر سرمایه امپریالیستی است و در هر سودی که از فروش آن حاصل شود سهم بزرگی بحیب امپریالیست ها میروند. برای نمونه از کارخانه هواپیماسازی اطراف فرودگاه مهرآباد یا میکیم ۴۹ درصد سهام این کارخانه در دست شرکت هواپیماسازی آمریکائی نورثروپ است و تماماً بوسیله کارشناسان آمریکائی اداره میشود (کیهان ۱۹ اسفند ۱۳۵۱). آیا میتوان گفت که این صنعت متعلق بایران است؟ در واقع باید گفت که امپریالیست های آمریکائی قسمتی از سرمایه ایران را در ایران بکار گرفته اند. سود عمده برای خود آنهاست، و اگر روزی کالائی از این کارخانه صادر میشود، هویتش آمریکائی است نه ایرانی.

دیگر اینکه محصولات این کارخانه ها برای امپریالیست ها از چند حیث ارزان تر تمام میشود: اولاً دستمزدها کارگر ایرانی نسبت به کارگر اروپائی و آمریکائی بسیار ناازل است، ثانیاً مخارج عمومی تولید در ایران کمتر است، ثالثاً سرمایه های امپریالیستی و کارخانه های تحت نظارت آنها از بسیاری از مزایا مانند معافیت از حقوق گمرکی، تخفیف مالیات، استفاده از خدمات دولتی و غیره برخوردارند. از این جهت اگر محصولات این کارخانه ها بقیمت بین المللی بفروش برسد سود امپریالیست ها بیشتر از آن خواهد بود که از محصولات کارخانه خود در کشورهای متروپل بدست میآورند. پس عجیب نیست اگر در بقیه در صفحه ۳

سخنگویان رژیم کودتا تبلیغات گمراه کننده های برسرا در ایران و بویژه "صادرات کالاهای صنعتی" براه انداخته اند. اگر بانهاکوش فراد هید معجزه فقط در آن نیست که صادرات ایران با زارهای امارات خلیج فارس و ممالک آسیا و اروپای غربی پاتسخیر کرده بلکه در آن نیز هست که سهم بزرگ در این صادرات با کالاهای صنعتی ساخت ایران است نه با کالاهای سنتی.

نخست باید گفت که در اثر سیاست ضد ملی رژیم کودتا اینک سالهاست که موازنه در بازرگانی خارجی ایران وجود ندارد! واردات ایران بیش از شتر هفت برابر صادرات آنست و ایسن فاصله هر سال بیشتر میشود. روزنامه "کیهان" در اردیبهشت امسال نوشت که بازرگانی خارجی ایران فقط در نه ماهه اول سال ۱۳۵۱ ۱۱۲ میلیارد ریال کمبود داشته و بر اساس پیش بینی کارشناسان، شکاف بازرگانی خارجی کشور در سال ۱۳۵۱... بسرعت رشد خواهد کرد و در گزارش نهائی کمتر از ۱۵۰ میلیارد ریال نخواهد بود.

شکاف در بازرگانی خارجی ایران نموداری از غارتگری امپریالیستی در کشور است. از تمام فوق نشان میدهد که رشد نسبی صادرات ایران کمتر از واردات آن است و شکاف موجود را روز بروز عمیق تر میسازد.

اما در مورد کالاهای صنعتی ایران که رژیم کودتا از صادرات آنها لالاب میزند باید خصوصیات زیرین را در نظر داشت: یکی اینکه کارخانه های سازنده کالاهای مذکور بهیای گران از امپریالیست ها خریداری میشود، در اقتصاد ایران ریشه ندارد، کلیه قطعات بدکی آنها - بازمه بقیمت گزاف - باید از خارجه بیاید و باین طریق سرنوشت آنها در دست امپریالیست ها است. کافی است بسخنان وزیر اقتصاد ایران در نهمین اجلاس هیئت کمیسیون اقتصادی آسیا و خاور دور (اکتافه) نظاری بیفکیم که گفته است:

"تنها اثری از بهبود شرایط بازرگانی که بضرر کشورهای در حال توسعه است دیده نمیشود بلکه اوضاع رو به بدتر

پیروز باد جنگ توده ای خلق کامبوج